

نگاهی به شعرِ نعمت خان عالی شیرازی

محمد عرفان راتهور^۱

A glimpse of the poetry of N'amit Khan A'ali Shirazi Muhammad Erfan Rathore

N'amit Khan A'ali Shirazi is considered to be one of the well known writer, poet & history writer in the subcontinent. He spent all his life in the Mughal court. He was very close to all the Mughal Kings of his time (Shah Jahan, Aourngzaib & Bahadur shah^۱). His books are famous and well known and have high rank in the subcontinent Persian literature. In this article, we will narrate about his life & latter will describe some characteristics of his poetry. Hopefully, this article will help the people to understand his work.

چکیده

نعمت خان عالی شیرازی یکی از معروف ترین نویسندگان، شاعر و تاریخ نویس فارسی در دوره شاهجهان، اورنگ زیب و بهادر شاه اول بود. خوشبخت بود که قرب همه پادشاهان عصر خود داشت و احوال و وقایع آن زمان را به چشم خود مشاهده کرد. آثار وی چه در نظم و چه در نثر بین مردم مشهور، معروف و پسندیده اند و در ادبیات فارسی شبه قاره جایگاه خاصی دارند. در مقاله حاضر، شعر وی مورد بررسی قرار گرفته است

واژگان کلیدی: نعمت خان عالی شیرازی، شبه قاره، آثار، شعر عالی

شرح احوال

نعمت خان عالی شیرازی (۱۰۴۸-۱۱۲۱ق/۱۶۳۷-۱۷۱۰م) یکی از معروفترین شاعران و نویسندگان فارسی در شبه قاره در قرن یازدهم و دوازدهم هجری/ هفدهم و

^۱ دانشجوی دوره دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده خاور شناسی، دانشگاه پنجاب، لاهور،

هیجدهم میلادی به شمار می رود. اسم اصلی وی "میرزا نورالدین محمد" (منزوی: ۱۳۷۵ش، ۱۱۴۷/۲) بود. خانواده اش در شیراز پیشه طبابت داشت و در آن روزگار خیلی معروف بود. "اصلش از اطبای شیراز است" (داغستانی: ۱۳۸۴ش، ۱۵۱۱/۳) بیشتر مورخان و تذکره نویسان وی را "شیرازی" می نویسند ولی خوشگو در "سفینه خوشگو" وی را اهل مشهد نوشته است. (خوشگو: ۱۹۵۹م، ۵۹). پدرش "حکیم فتح الدین و عمش حکیم محسن خان است که در هندوستان با شاه عالم اول (در وقت شاهزادگی) مصاحبتی بهم رساند و پسرش حکیم حاذق خان در سال آخر عالمگیری به خطاب حکیم الملک امتیاز یافت" (بلگرامی: ۱۹۱۳م، ۱۳۶).

پدر وی از ایران به هند مهاجرت کرد. "حکیم فتح الدین در همان روزهایی که خویشانش آوازه می یافتند، از شیراز به این سرزمین کوچید" (دانشنامه: ۱۳۶۷ش، ۱۶۷۸/۴/۲) "نعمت خان در هند متولد شد" (آفتاب: ۱۹۸۵م، ۵۱۲). درست تاریخ تولد نعمت خان عالی در دست ما نیست و متأسفانه در هیچ مآخذی ذکر نشده. گمان می رود که وی بین سال های ۱۰۴۶ق تا ۱۰۵۰ق متولد شده باشد. "در صغرسن همراه پدرش به شیراز رفت و کسب کمال نمود و برگشت (عبدالمجید: ۱۲۹۲ق، ۳۰۵)

بعد از تحصیلات از استادان بزرگ در شیراز، "در هند نیز یک چند نزد ملا شفیعی یزدی، معروف به دانشمند خان (۱۰۸۱ق) درس خواند" (دانشنامه: ۱۳۶۷ش، ۴/۲/۱۶۷۸) و پس از آن "در عهد شاه جهان به خدمت داروغه جواهر خانه منصب یافت" (برتلینس: ۱۹۸۹م، ۲۲ / ۴۱۶) بعد از شاه جهان به ملازمت اورنگ زیب درآمد. در سال ۱۱۰۴ق، اورنگ زیب وی را خطاب "نعمت خان" و چندی بعد خطاب "مقرب خان" اعطا کرد. "اواخر عهد عالمگیری به خطاب "مقرب خان" و داروغگی جواهر خانه محلی به حلی نوازشات پادشاهی گردید" (گوپاموی: ۱۳۸۷ش، ۱۵۲۸)

بعد از درگذشت اورنگ زیب، نعمت خان به ملازمت پسرش محمد اعظم شاه درآمد و پس از کشته شدن او، به حلقه بندگی محمد معظم معروف به شاه عالم اول



داخل شد و از او خطاب "دانش مند خان" یافت. (بلغرامی: ۱۹۱۳م، ۱۳۷) نعمت خان اولاً شاید به علت پیشه اجداد که در طبابت شهرت داشت "حکیم" و بعد از آن "عالی" تخلص می کرد. "و به ایامی استاد خود نواب دانشمند خان 'عالی' تخلص نمود" (گوپاموی، ۱۳۸۷ش، ۵۲۹)

نعمت خان عالی با چه کسی ازدواج کرد؟ هیچ اطلاع در دست ما نیست. یکی از فرزنداناش که نامش محمد صادق است، در دیوان عالی آمده (عالی، ۱۸۸۱م، ۲۳۵) و پسر دیگری که حاذق نام داشت. "در عهد محمد شاه به منصب پنج هزاره و خطاب "حکیم الملوک" و کمال تقرب محسود اقران گشت" (بلغرامی: ۱۹۱۳م، ۱۳۶) شاه عالم بهادر شاه، وی را برای نوشتن "بهادر شاه نامه" مامور کرد- (ریو: ۲۷۲/۱۸۷۹) ولی وی حالات و واقعات فقط دو ساله نوشته بود که در گذشت. درباره وفات و مدفن وی بین مورخان و تذکره نویسان اختلاف است. ولی بعد از خواندن "پادشاه نامه" (نسخه خطی موزه برطانیه) معلوم می شود که وی تا ذوالقعد ۱۱۲۰ق زنده بود. وی احوال و وقایع تا آن روز به رشته نگارش در آورده است. به همین دلیل، ممکن است که وفاتش در آخرین سال ۱۱۲۰ق یا در آغاز سال ۱۱۲۱ق باشد. "وی در دائره مؤمن واقع حیدرآباد به خاک سپرده شد" (صفا: ۱۳۷۲ش، ۵/ ۲/ ۱۳۶۴)

آثار: نعمت خان عالی در نظم و نثر آثار زیادی به یادگار گذاشته است البته مهم ترین آن ها عبارتند از:

- (۱) دیوان عالی (۲) سخن عالی (۳) وقایع حیدرآباد (۴) جنگ نامه (۵) بهادر شاه نامه
- (۶) رساله حسن و عشق (۷) مضحکات (۸) الوان نعمت (۹) خوان نعمت (۱۰) رقعات
- (۱۱) راحت القلوب (۱۲) رساله هجو حکماء

شعر نعمت خان عالی شیرازی

شعر عالی از سادگی برخوردار است و شعر وی پیچیدگی و مشکل پسندی ندارد که در آن زمان رایج بود. وی بیشتر از بحرهای کوتاه و ساده استفاده کرده است. تاثیر دانش های گوناگون و مطالعه وی از آثار گذشتگان آشکار است.

قوالب در شعرِ عالی

از شعرِ عالی معلوم می شود که وی در قوالبِ سنتی فارسی از جمله قصیده، غزل، مثنوی، قطعه و رباعی سخن گفته است. وی بیشتر به قالبِ غزل شعر سروده است. تعداد مثنوی و قطعه نسبت به غزل خیلی کم است. چند تا قصاید نیز گفته است. غزلِ عالی پُر از سلاست و سادگی است و بهترین نمونه های هنر و اندیشه وی است.

مضوعاتِ شعرِ عالی

شعرِ عالی دارای مطالب متنوعی است. گوناگونی مضامین در شعر وی به حدّی است که باید از آن ستایش شود. مهمترین موضوعات شعرِ عالی مطالب اخلاقی و حکمی، عشقی، رندی و خمّری و جز آن است. موضوعات عشق، رندانه و خمّریه در شعرش بسیار است. وی در هجو گوئی مهارت داشت و فی بدایه می سرود. اینجا چند تا محاسن فکری و هنری از شعر وی ارایه می دهیم تا محاسن شعر وی روشن شود.

محاسنِ فکری در شعرِ عالی

حمد و ثنای خداوند متعال

انسان نمی توان حمد او را بیان کند. ولی هر شاعر سعی کرده است که حمد او در شعرش بیان کند.

اسم را چون نسبتی باشد به ذات نقش اللّٰه است باقی در ثبات

(عالی، ۱۸۶۲م ۸۵)

در دلالت بر وجودِ لایزال بی زوال ست آن چو ذاتِ ذوالجلال

(همان، ۸۵)

ستایش پیامبر (صلی الله علیه و سلم)

عشق رسول (ﷺ) سرمایه ایمان مسلمانان است و همه مسلمان به ایشان عشق می ورزند و ایشان را دوست دارند. هر شاعر که مسلمان است در شعرش ستایش به پیامبر اکرم (ﷺ) کرده است و عالی نیز همینطور کرده است. وی در شعرش، ستایش وی نیز کرده است.

غیر نبی (ﷺ) مسافتِ کونین را که دید کس کی کشید آن دو کمان را به زور قرب

(عالی، ۱۸۸۱م، ۴۲)



غافل مشو از ذکر دمی از اوقات ایمان اینست بر محمد (ص) صلوات
(عالی، ۱۸۶۲م، ۰۹)

آیات قرانی و احادیث

عالی برای ساختن شعرش، جامع و مدلل گاهی از آیات قرانی و احادیث نبوی (ﷺ) به کار برده است و از این شعرش را زیبایی بخشیده است و به معنی حکایت وسعت داده است.

تو بنمائی به نومیدی مرا راه چه شد لاتقنطوا من رحمة الله
(عالی، ۱۸۷۳م، ۱۲)

شبهه در "لا نبی بعدی" نیست ورنه بگویم که پادشاه نبی ست
(عالی، ۱۸۶۲م، ۵۰)

شکر، امید و توکل

عالی مرد راسخ عقیده است و از رحمت خدا هرگز نومید نیست بلکه در همه حال به درگاه الهی چشم دارد و منتظر عفو و رحمتش است. وی هر جای که مشکل پیش می آید به خدا توکل می کند که این مشکل ها از فضل و کرم او حل می شوند. وی هر کار خود با گفتن "بسم الله" آغاز می کند. نخستین مصرعه دیوان وی ملاحظه کنید.

تمامی یابد از مصراع بسم الله دیوانها بین کز مدّ این ابروست زیبا روی عنوانها
(عالی، ۱۸۸۱، ۰۲)

دگر چه می طلبی عالی از خدا صد شکر که یار رام شد ست و جهان بکام شد ست
(همو، همان، ۵۴)

کرده است توکل به خدا همت عالی دیگر ز کسی حاجت امداد ندارد
(همو، همان، ۱۰۶)

تصوف و عرفان

مضامین تصوف و عرفان به شاعران پیشین نیز رایج بود مانند سنائی، مولوی، سعدی که صوفی بودند عالی صوفی نبود ولی مضامین تصوف در شعرش چشم می خورد. گاهی شعر وی مایل به عشق حقیقی می نماید

بگو اگر طالب معبودی برخیزد بگو الله چون بنده مقصودی برخیزد بگو الله
(همو، همان، ۲۰۲)



در خلوتِ دل بود نهانِ یارِ تو عالی بیجا به طلب در همه جا آمده رفتی

(همو، همان، ۲۰۷)

شکوایه

در شعر هر شاعر شکایت روزگار و کم قدری دیده می شود و در شعر عالی چنین ابیات چشم می خورد و وی گاهی این قدر ناراحت می شود که قلمش به شکایت بر زبان می آورد. وی شاعری نازک دل و حساس است و شکایت از روزگار و مردم در شعر عالی بسیار دیده می شود.

تیر دعا گذار ست از هفت جوش چرخ ای سنگدل حذر کن از صاف شستی ما

(عالی، ۱۸۷۳م، ۰۹)

عاشقانه

موضوع عشق جان غزل است. اگر عشق نیست، غزل نیست. مضامین عشق در اصل موضوع هر شاعر است و در کلام نعمت خان عالی به حدی زیاده موج می زند. آن عشق مجازی است یا حقیقی؟ چیزی دیگر است. وی اصلاً مزاج عاشقانه دارد و به همین علت مضامین شوق، عاشقی، محفل آرائی را به خوبی توصیف نموده است.

کار با طرفه جفا پیشه ای افتاد مرا که نه یادم کند و نه رود از یاد مرا

(عالی، ۱۸۸۱م، ۱۲)

این قدر صبر مرا کو که رسد جان بر لب نیم بسمل شدگان را همه بگذار، بیا

(همو، همان، ۲۷)

خمریه

از همان روز که شعر به وجود آمد، موضوع خمریه زینت شعر است و حتی شاعران که صوفی هستند نیز بر این موضوع شعر سروده است و بیشتر شاعران فارسی در کلامشان ذکر شراب کرده اند و مطلوب و مقصود آنان شراب حقیقی است بلکه شراب طهور است. عالی نیز در کلامش کلمات مانند شراب، ساقی، باده، می کده، جام وغیره به کار برده است

ساقی امروز من از توبه حجابی دارم بر دل یار غبار ست چه می باید کرد

(عالی، ۱۸۸۱م، ۱۱۶)

این باده که روزگار دارد یک هستی و صد خمار دارد

(عالی، ۱۲۵۹ق، ۱۹)



رندانه

رندی و سرمستی در شعر فارسی موضوع قدیمی است و شاعران عارف مشرب این موضوع در کلامشان جای داده است و در شعر عالی راجع به این موضوع بسیاری از ابیات وجود دارند که آنان شاعر را در این حالت سرمستی و رندی یک رند معرفی می کنند.

برآمد آخر از میخانه مست و جام می بر کف عبث در مسجد و محراب می جستم عالی را
(عالی، ۱۸۸۱م، ۲۴)

عالی آئین کرم درخور استحقاق ست مست در مسجد و در میکده هشیار بیا
(همو، همان، ۲۸)

بلند همتی

یکی از ممتاز ترین ویژگی های شعر عالی بلند همتی است. وی هرگز نا امید نمی شود. اساس شعر عالی بر امید و یقین نهاده شده است.

نیست در قافله دل خبر از جنس امید نظر ما همه بر همت مردانه تست
(عالی، ۱۸۸۱م، ۶۹)

عالی نتوان شکوه ازین بخت سیه کرد یک تیره شبی نیست که آن را سحری نیست
(همو، همان، ۸۱)

محاسن هنری در شعر عالی

موسیقیت

یکی از مهم ترین مختصات شعر عالی است و کلام وی پُر از موسیقیت و آهنگ است وی واژگان را به این ترتیب در شعر می آورد که شعرش به موسیقی مبدل شود و خواننده حس می کند گویا موسیقی می شنود. کلام وی اصلاً ترنم داشته است

کسی دیوانه که ز سر کویش رود جائی دل اینجا، دولت اینجا، مدعا اینجا، امید اینجا
(عالی، ۱۸۶۲م، ۱۱۳)

دنیای دگر می شود آباد به هر جا من باشم و دل باشد و غم های تو باشد
(عالی، ۱۸۸۱م، ۱۱۳)



طنز و مزاح

موضوعی خیلی قدیمی است و شاعران بزرگ مانند حافظ و سعدی در کلامش دربارهٔ این موضوع سخن گفته است. عالی چون طبع ظریف و مزاح پسندی داشت یکی از بهترین موضوع شعر عالی است و کلام عالی پر از این موضوع است. بنا براین او را یکی از برزگترین طنزنگار و هجونویس شبه قاره می توان به شمار آورد. عالی هر کس عیاردان سخن است گویا که به زرخیده باشد ما را

(عالی، ۱۸۸۱، م، ۱۳)

وقتی که مختار خان، دخترش به شاهزاده بیدار بخت داد، عالی گفت:
هیچ کس در خانهٔ مختار خان بی کار نیست هر که را دیدم در آنجا، فاعل مختار بود

(عالی، ۱۸۸۱، م، ۲۳۴)

تکرار واژه

تکرار واژه یا کلمه به صورت اضافهٔ تاکید در شعر شاعران گذشته نیز رایج بود و عالی نیز این سنت در شعرش به کار برده است. تکرار واژه می توان در پایان مصراع یا در نیمه مصراع یا آغاز مصراع ها باشد. عالی در کلامش، تکرار واژه بیشتر در پایان مصراع سروده است.

معنی و لفظ اگرچه نباشد جدا جدا دارم برای وصل تو هر دم جدا جدا

(عالی، ۱۸۸۱، م، ۱۱)

کلام و عبارت سخن شعر بیت چو این قطعه خواندی بگو واه واه

(عالی، ۱۸۸۴، م، ۱۵)

محاوره و ضرب المثل

عالی در شعرش از ضرب الامثال نیز به کار برده است که زیبایی شعرش را دوچند می کند. مثلاً آب از سر گزشتن و خار دامن گیر را به نحو احسن بکار برده است:

عالی چو خار نگرفت بیهوده دامن کس آخر به کار آمد کوتاه دستی ما

(عالی، ۱۸۸۱، م، ۲۴)

تشنهٔ خون خودیم از آب تیغش نگذیریم آرزو داریم که این آب از سر ما بگذرد

(همو، همان، ۱۱۴)

آشنایی با علوم گوناگون

عالی بر زبان عربی، تاریخ اسلامی، علم هیت، مهارت داشت و از علم نجوم، شطرنج، آلات موسیقی و غیره نیز آشنا بود و جا به جا این واژگان و اصطلاحات به کار برده است. او مرد فاضل بود.

ترسم آن سیمین بدن باشد در آغوش رقیب دیده ام تقویم را امشب قمر در عقرب ست
(عالی، ۱۸۸۱م، ۶۴)

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن شعر در بحر رمل باشد به از آب حیات
(عالی، ۱۸۸۴م، ۰۹)

واقع نگاری و حماسه سرایی

عالی واقع نگاری را جدت بخشیده است. وی در جنگ و امن، همیشه همراه پادشاهان بوده، به همین دلیل وقایع جنگی و فتوحات پادشاهان به چشم خود مشاهده کرد و آنان را در شعرش بیان کرده است. مثلاً

ز قلعه گوله ای افتاد هم درین اثناء کشید ناله اجل گشته ای که آه رسید
(عالی، ۱۸۸۴م، ۰۸)

از هر سو دلیری درآمد به جنگ به شمشیر و نیزه به تیر و تفنگ
(عالی، ۱۸۶۲م، ۲۰۵۵)

هجو گویی

عالی شاعر حساس طبع است و در کلامش ایات و رباعیات و قطعات به چشم می خورد که هجو دیگران نوشته است. وی در این فن کامل است و هیچ شاعر در شبه قاره به پایه او نمی رسید. یکی از امراء که نامش مطلب خان وقتی با لقب، "مرتضی خان" ملقب گشت، عالی گفت:

راستی را می گذارم، در کجی خواهم شدن مرتضی گر این بود من خارجی خواهم شدن
(عالی، ۱۸۸۱م، ۲۳۹)



صنایع و بدایع در شعر عالی

عالی نیز مانند همه شاعران به صنایع و بدایع علاقه دارد و در شعرش بیشتر از آن‌ها استفاده کرده است. صنعت‌های از قبیل تشبیه، استعاره، تلمیح، مراعات النظیر، تشخیص و غیره در شعر وی بسیار چشم می‌خورد.

تشبیه

تشبیه در لغت به معنی چیزی را به چیزی دیگر مانند کردن و در اصطلاح یعنی مقایسه و کشف و یادآوری شباهت یا شباهت‌هایی بین دو چیز است. "هر شاعر برای آرایش سرودهای از تمام شگردهای ادبی استفاده می‌کند و تشبیه یکی از ابزارهای زیبایی است که عالی جای جای در سخن خود از آن بهره برده است

ستاره‌ها به نظر هجو خیل زنبور است به هر کجا که روم نیست جز گزند آن جا
(عالی، ۱۸۸۱م، ۷۰)

از چشم تو دیگر شده ام محو چو نرگس وز زلف تو آشفته چو سنبل شده ام باز
(همو، همان، ۱۳۴)

استعاره

"در لغت به معنی رعایت خواستن و به رعایت گرفتن است و در اصلاح آن است که لفظی در غیر حقیقی خود به کار رود". بکار بردن استعاره نیز از ویژگی بارز شعر عالی است و یکی از مختصات چشمگیر شعر عالی است. وی به استعاره توجه زیادی داشته است.

ای گل تازه بیابار سرچشمم بنشین که تو ریحانی و عالی چو سفالست ترا
(عالی، ۱۸۸۱م، ۲۷)

عالمی جان در رهش از یک اشارت می‌دهد قتلِ عامی ما من با تیغ ابرو کرده است
(همو، همان، ۶۵)

تلمیح

"در لغت به گوشه چشم اشاره کردن و در اصطلاح آن است که شاعر در ضمن کلام، به داستانی یا مثل یا آیه و حدیث و سخن حادثه‌ای که معروف داشته باشد، اشاره کند". عالی با استفاده از تلمیحات، کلامش را زیبایی بخشیده است. شعر عالی تلمیحات گوناگون دارد. این تلمیحات در ایجاد معانی متنوع و تصاویر جالبی



نقش مهم ایفا می کند. در شعر وی تلمیحات مذهبی، تاریخی و داستانی چشم می خورد. بیشتر تلمیحات مذهبی مربوط به پیامبران مانند یوسف (ع)، موسی (ع)، ایوب (ع)، سلیمان (ع) و یعقوب (ع) و تاریخی مانند خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد، محمود و ایاز دیده می شود.

زلیخار شک بر یعقوب (ع) دارد، در غم یوسف (ع) که نتوانست دیدن بی رخش بینائی خود را

(همو، همان، ۲۵)

قسمت میراث عشق از نو بهار ست و خزان حسن لیلی را تو داری عشق مجنون از منست

(همو، همان، ۷۹)

مراعات النظر

"آن است که کلماتی را در شعر یا نثر بیاورند که نوعی یکدیگر را تداعی کنند یعنی از نظر مشابهت، ملازمت، همجنس بودن یا مانند آن، بین آن ها ارتباط و تناسبی موجود باشد." - عالی یک شخصیت هنرمندی است و بر زبان فارسی مهارت دارد و از اجزای کلام نیز آشنا است. شعر عالی یک گونه تناسب دارد و مراعاة النظر که یکی از ارکان بدیع است چنین به کار برده است که زیبایی شعرش دو برابر می کند. ملاحظه کنید.

محروم شد ز صحبت تو چشم و گوش و لب چون بسمل اند در تپش جدا جدا

(عالی، ۱۸۸۱، م، ۱۱)

بیا ساقی که یار آمد به باغ و کرد جای خوش بر آر از جام خورشیدی که ابرست و هوای خوش

(همو، همان، ۱۳۸)

تضاد / متناقض نمایی

"در لغت به معنی دو چیز را در مقابل یکدیگر انداختن است و "در اصطلاح آن است که کلماتی را که از لحاظ مفهوم باهم تضاد دارند، در شعر بکار برند." - متناقض نمایی یک ویژگی برجسته شعر شعرای زبان فارسی بوده است و این در کلام صوفیا بیشتر دیده می شود و هم در کلام عالی بسیار دیده می شود یعنی شاعر چنان واژه یا واژگان در کلامش می آورد که باهم تضاد داشته باشند و این صنعت رنگینی کلام را می افزاید.

نمود عالی چو قطع نظر به دشمن و دوست دگر چه کار کسی را به رنج و راحت ما

(عالی، ۱۸۸۱م، ۲۰)

مجبورم و مختارم در کردن هر کاری در کارم و بی کارم صفرم به حساب اندر

(همو، همان، ۱۳۲)

تشخیص

"یعنی بخشیدن صفات و خصایص انسانی به اشیاء، مظاهر طبیعت و موجودات غیر ذی روح یا امور انتزاعی، به این که شاعر برای آن ها خصوصیات انسانی تصور کند و صفت ها یا اعمال یا احساس های انسانی را به آن ها نسبت دهد و بدین ترتیب به آن ها حس و حرکت ببخشد". تشخیص از شگردهای است که بسیار مورد استفاده شعرای سبک هندی قرار گرفته است. عالی در شعر خود ازین استفاده سرشاری برده است. به عنوان مثال:

گداز عشق مرا صاف آن چنان کرده است که آب آئینه خود می شود مثال مرا

(عالی، ۱۸۸۱م، ۲۰)

عشق بر گل های داغ بوالهوس خندید و گفت همچو لاله داغ مادرزاد می خواهیم ما

(همو، همان، ۳۱)

اسلوب معادله

"اسلوب معادله از صنایع معنوی بدیع است و به خاطر ایجاد تداعی، بر قدرت و زیبایی کلام گوینده می افزاید" اسلوب معادله یکی از مهم ترین مختصات شعر و نثر شمرده می شود. شاعر در بیتی یک مصرع معقول و دومی محسوس می آورد و بدین طور معنی مورد نظر را به صورت محکم و صریح ابلاغ می نماید. صائب را استاد این هنر گفته اند. عالی نیز در شعرش از این صنعت استفاده کرده است.

ره آمد شدی به هر خیالت بود در خاطر ستم کردی که چاک سینه ما را رفو کردی

(عالی، ۱۸۸۱م، ۲۰۸)

قدر و قیمت نیست هرگز مردم بی فیض را غافلان عبرت ز نخل بی ثمر باید گرفت

(همو، همان، ۶۲)

اغراق

همه شاعران در شعرشان درباره محبوب خود سخن گفته است و ستایش کرده است و گاهی در ستایش محبوب خود اغراق نموده است یعنی در تعریف و مدحش



مبالغه بسیار نموده است و عالی در کلامش تقریباً هر عضو را بیان کرده و تحسین و تمجید قرار داده او گاهی در مدح پادشاه از حد می گذرد. مثلاً

به ظاهر شاه در اخلاق درویش به داؤد و سلیمان گشته هم کیش
(عالی، ۱۸۶۲ م، ۸۲)

نتیجه گیری

نعمت خان عالی یکی از شاعران گمنام شبه قاره از تبار ایران شیراز است. از مطالعه این گفتار معلوم می شود او یکی از پرگو و دانشمند عصر خود بوده در بار پادشاهان خود جای بسزا داشت. او در انواع مختلف علوم و سرودن اشعار مهارت خاص خودش را در اشعار خود نشان داده است. همه قوالب شعری و مضامین را در سخن سرایی خود گنجانیده به ما نشان می دهد که یک شاعر کامل و شعرش مکمل است.

کتابنامه

- اصغر، دکتر آفتاب. (۱۹۸۵ م). تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، لاهور.
- ایمان، رحم علی خان. (۱۳۴۹ ش)، تذکره منتخب اللطایف، به اهتمام جلالی، محمد رضا و عابدی، دکتر سید امیر حسن، کتابخانه ملی، تهران.
- برتلیس، (۱۹۸۹ م)، نعمت خان عالی شیرازی، دایره معارف اسلامی اردو، ج ۲۲، زیر اهتمام دانشگاه پنجاب، لاهور
- بلگرامی، میر غلام علی. (۱۹۱۳ م)، مآثر الکرم موسوم به سرو آزاد، به اهتمام عبدالحق مولوی، اردو مرکز، لاهور.
- خان، محمد عبدالمجید. (۱۲۹۲ ق)، شمع الجمن، مطبع شاه جهان، بهوپال (هند)
- خوشگو، بندر ابن داس. (۱۹۵۹ م)، سفینه خوشگو، مرتب به کاکوی، شاه محمد عطا الرحمن، اداره تحقیقات پتته، بهار (هند).
- داغستانی، علی قلی واله. (۱۳۸۴ ش)، تذکره ریاض الشعرا، جلد اول، تصحیح و تحقیق، نصر آبادی، سید محمد ناجی، انتشارات اساطیر، ایرانشهر.
- دانشنامه، (۱۳۶۷ ش)، دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، جلد ۴، بخش ۳، زیر سرپرستی، حسن انوشه، سازمان انتشارات، تهران.



- سیما داد، (۱۳۷۱ش)، **فرهنگ اصطلاحات ادبی**، مروارید. تهران
- شفیق، لچهمی نرائن. (۱۹۷۷م)، **شام غریبان- تذکره شعرای فارسی** -مرتبه صدیقی، محمد اکبرالدین، نجمن ترقی اردو، کراچی.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۵ش)، **بیان و معانی**- انتشارات فردوس. تهران
- صفاء، ذبیح الله. (۱۳۶۸ش)، **تاریخ ادبیات در ایران**، جلد ۵، بخش ۲، انتشارات فردوسی، تهران.
- عبدالرشید خواجه، سرهنگ. (۱۹۸۱م)، **تذکره شعرای پنجاب**، اقبال کادمی پاکستان، لاهور.
- عالی، نعمت خان. (۱۸۶۲م)، **بهادر شاه نامه یا پادشاه نامه**، دست نویسی که چاپ نشده، موزة برطانیه.
- عالی، نعمت خان. (۱۸۷۴م)، **حسن و عشق**، مطبع نول کشور، لکهنو(هند).
- عالی، نعمت خان. (۱۸۸۱م)، **دیوانِ نعمت خان عالی**، مطبع نول کشور، لکهنو(هند) - عالی، نعمت خان. (۱۲۵۹ق)، **جنگ نامه**، مطبع مصطفائی، به اهتمام محمد مصطفی خان، لکهنو(هند).
- عالی، نعمت خان (۱۸۸۴م) **وقائع نعمت خان عالی**، مطبع نول کشور، کانپور (هند)
- کزازی، میر جلال الدین (۱۳۷۳ش)، **بدیع (۳)**، کتاب ما وابسطه به نثر مرکز. تهران
- گوپاموی، محمد قدرت الله. (۱۳۸۷ش)، **تذکره نتائج الافکار**، تصحیح، باباپور، یوسف بیگ، مجمع ذخایر اسلامی، قم.
- منزوی، احمد (۱۹۸۳، ۱۹۸۶م)، **فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان**، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.
- میمنت، میر صادقی (۱۳۷۱ش)، **واژه نامه هنر شاعری**، کتاب ممتاز، تهران
- Rieu, Charles (۱۸۷۹), Catalogue of the Persian manuscripts, Bombay (India)
- Storey, C.A (۱۹۳۹) Persian literature, a bio bibliographical Survey, Section II, Co. London (England).&

